



## وظيفة حروف الاضافة في اللغة الفارسية المنطوقة المعاصرة

م. م. ايفان كريم شناوة

جامعة بغداد / كلية اللغات/ قسم اللغة الفارسية

تاريخ الاستلام : 2020/6/30

تاريخ القبول : 2020/8/9

### الملخص:

اللغة المنطوقة لها قواعد خاصة بها و في بعض الحالات تختلف بشكل كامل عن اللغة المكتوبة. وللأسف الشديد ، لا يولي مؤلفي كتب القواعد الكثير من الاهتمام لقواعد اللغة الفارسية المنطوقة المعاصرة علما أن الاهتمام بهذا الجانب مهم جداً . بالإضافة إلى ذلك ، فإنهم يعبرون ويشيرون الى نقاط مفيدة ومهمة وأحياناً يتم الإشارة ايضا الى مواضيع غفل عنها الآخرون، وهذا يمنح الأشخاص الذين يرغبون في تعلم اللغة الفارسية أن يكونوا على دراية بالبناء النحوي(القواعدي) للغة الفارسية المنطوقة وذلك لكي لا يواجه (او يقع) في مشكلة خلال نطقه وحديثه اثناء تعاملاته اليومية.

لذلك سوف نتناول في هذا المقال موضوع يعد من أهم المواضيع وفي الوقت ذاته يعتبر من أصعب مواضيع قواعد اللغة المنطوقة وهي الاضافة البسيطة والمركبة ووظيفتها .

الكلمات المفتاحية : اللغة الفارسية المنطوقة ، حروف الاضافة ، حروف الاضافة البسيطة .



## **Additional letters function in the modern spoken Persian**

Evan kareem shnawa

Department of Parsin Language College of languages

University of Baghdad

Receipt date: 30/6/2019

Date of acceptance: 9/8/2019

### **Abstract:**

Spoken language has its grammar, sometimes, it is completely different from written language. Unfortunately, grammar books authors don't pay much attention to this very important aspect. Moreover, they refer to many important useful points, and sometimes they even refer to subjects unnoticed by others. Which make it imperative for people who desire to learn Persian to be aware of the grammatical structure of spoken Persian so they wouldn't face any troubles when talking or pronouncing during everyday life.

Hence, in this essay, we will address one of the most focal subjects which is, at the same time, considered of the most difficult in the spoken language and that is simple and complex additions and the function of each one of them.

**Keywords:** Spoken Persian, Additional Letters, and Simple additional letters.



## کارکرد حروف اضافه در زبان فارسی گفتاری معاصر

مری ایفان کریم‌شناوه

دانشگاه بغداد / دانشکده زبان / گروه زبان فارسی

### نگارنده

چکیده:

زبان گفتاری قواعدی مخصوص به خود دارد که در برخی موارد کاملاً با زبان نوشتاری متفاوت است. متأسفانه دستورنویسان چندان به قواعد زبان گفتاری فارسی معاصر توجه ندارند در حالیکه پرداختن به این مهم، علاوه بر اینکه نکات مفید و بعضاً مورد غفلتی را بیان می‌کند، باعث می‌شود کسانی که قصد یادگیری زبان فارسی را دارند بتوانند از ساختارهای دستور زبان فارسی گفتاری آگاه شوند و در مکالمات روزمره خود دچار مشکل نشوند. در این مقاله به یکی از مهمترین و در عین حال مشکلترین مباحث دستور زبان گفتاری یعنی حروف اضافه بسیط و مرکب و کارکرد آنها می‌پردازیم.

کلیدواژگان: زبان گفتاری فارسی، حروف اضافه، حرف اضافه بسیط.

1- مقدمه:

1-1. تعریف مسأله و ضرورت پژوهش:

در هر زبان، امکانات مختلفی برای بیان یک مطلب موجود است که یک فرد معین، بر مبنای تسلط خود بر سبک‌های مختلف زبان، در موقعیت‌های مختلف از آنها استفاده می‌کند. هر کس با ارزیابی موقعیت اجتماعی، موضوع ارتباط و نوع رابطه خود با شنونده، از میان سبک‌های موجود سبک مناسب را برمی‌گزیند. از جمله سبک‌های مهم هر زبانی، سبک زبان گفتاری محسوب می‌شود که به سبب استفاده روزمره مردم از این سبک زبانی در گفتگوهایشان، دارای اهمیت ویژه است و بررسی و مطالعه آن، از ضرورت بالایی برخوردار می‌باشد. لذا در این مقاله، به بررسی یکی از ویژگی‌های کاربردی و مهم دستور زبان گفتاری یعنی مبحث حروف اضافه پرداخته می‌شود. از آنجا که اثری مستقل که به بررسی کارکرد حروف اضافه در زبان گفتاری فارسی بپردازد، پیش از این نگاشته نشده، پرداختن به این مبحث، از اولویت بالایی برخوردار است.

2-1. پیشینه و روش تحقیق:

اگرچه در مورد مبحث حروف اضافه در زبان فارسی کتب و مقالات بسیاری نوشته شده - مانند کتابی که دکتر خلیل خطیب رهبر با نام حروف اضافه و ربط در زبان فارسی نوشته‌اند یا کتاب مرحوم دکتر محمد معین با عنوان اضافه - اما در باب بررسی حروف اضافه در زبان فارسی گفتاری معاصر تا به حال اثری نوشته نشده. تنها دو مقاله در باب بررسی کامل حروف اضافه در زبان فارسی معاصر وجود دارد که یکی مقاله سعید سید وفایی (1375) با نام «حروف اضافه در زبان فارسی معاصر» است که البته تنها به بررسی زبان نوشتاری فارسی معاصر بویژه در شعر پرداخته‌اند که در مقاله حاضر، برخی از مطالب آن به نقد هم کشیده شده است و نیز مقاله علی اشرف صادقی (1349) با نام «حروف اضافه در فارسی معاصر» که باز هم تنها به بررسی مفهومی حروف اضافه در فارسی معاصر نوشتاری پرداخته است. لذا مقاله حاضر، اولین اثری است که به بررسی جزای حروف اضافه در زبان فارسی گفتاری معاصر می‌پردازد.

### 3-1 . حروف اضافه:

حرف اضافه از جمله مباحثی است که تقریباً در بین اکثر دستورنویسان تعریف مشابهی دارد. شاید از قدیمیترین و در عین حال روشنترین تعاریف آن این تعریف باشد که در کتاب دستور پنج استاد آمده: «مقصود از حرف اضافه کلماتی است که نسبت میان دو کلمه را بیان می‌کند و مابعد خود را متمم کلمه دیگر قرار می‌دهد چنانکه معنی کلمه نخستین بدون ذکر دوم ناتمام باشد» (قریب، عبدالعظیم و دیگران، 1385: 234). دیگر دستورنویسان هم تعریفی مشابه تعریف این کتاب ارائه کرده‌اند. دکتر فرشیدورد حروف اضافه را از دیدی دیگر هم بررسی کرده: «حروف اضافه از طبقات بسته زبان و از عوامل مهم دستوری هستند طبقات بسته کلمه‌ها و پاره کلمه‌هایی هستند که شماره آنها محدود است مثل حروف اضافه و ربط، صفات مبهم، پسوندها و پیشوندها، ضمائر و صفات اشاره در مقابل طبقات باز مثل اسم، صفت بیانی، قید» (فرشیدورد، 1375: 64). همچنین ایشان در بحث بررسی ساختمان حروف اضافه برخلاف دیگر دستورنویسان به سه نوع ساخت- و نه دو نوع ساخت- قائل است: بسیط (از، بر، تا و...)، مرکب (به جز، همچون، بهر، واسه، بر و...) و دسته سوم که گروه حرف اضافه‌ای است که دو نوع ساخت دارد یکی: حرف اضافه + اسم + کسره اضافه (به علت، به خاطر، بدون، درباب و...) که گاهی حرف اضافه‌شان حذف می‌شود (توسط، پیش، نزدیک، عقب، جلو و...) و دوم: از ترکیب دو حرف اضافه (تا به حال). همچنین دکتر فرشیدورد کسره اضافه را هم در شمار حرف اضافه گرفته و از این نظر هم حرفی نو و مخالف با دیگر دستورنویسان دارد (همان: 64). باقی دستورنویسان کسره اضافه را نه حرف اضافه بلکه نقش نما گرفته‌اند از جمله دکتر وحیدیان که درباره نقش‌نما چنین می‌گوید: «تشخیص نقش کلمات در جمله با نقش‌نماها صورت می‌گیرد که 5 عدد هستند: نقش نمای مفعول: را، اضافه و صفت: کسره، متمم: حرف اضافه، ندا و پیوند: حرف ربط (وحیدیان، 1379: 108).

دکتر معین تقسیم بندی ساده دیگری برای حروف اضافه ارائه کرده اند و حروف اضافه را به دو نوع پسین (را) و پیشین (از و...) تقسیم کرده‌اند که پسین بعد از اسم می‌آید و تنها شامل «را» است و پیشین قبل از اسم می‌آید و شامل سایر حروف اضافه بسیط و مرکب می‌شود (معین، 1341: 99). حروف اضافه به تنهایی دارای معنی مستقل نیستند و کلمه یا عبارتی را به جمله نسبت داده و آن را متمم می‌سازند. برخی دستورنویسان کلماتی مانند: «پیش، پس، جلو، روی و... را حرف اضافه محسوب کرده‌اند» (لازار، 1384: 136) که نادرست است زیرا این کلمات به کلمه بعد اضافه می‌شوند و حالت مضاف می‌-



یابند و مضاف بودن از خصوصیات اسم است نه حرف. ضمنا این کلمات مانند اسم می‌توانند مستقیماً مسندالیه شوند مثلاً در این جمله: «روی میز صاف است».

حروف اضافه رایج در زبان فارسی معاصر عبارتند از «از، با، به، در، بر، بی، تا، چون، جز» (صادقی، 1349: 488). از میان این حروف، «استعمال حرف اضافه «بر» کاملاً رو به کاهش است و حرف اضافه «جز» بیشتر در اشعار مورد استفاده قرار می‌گیرد و در گفتگوی عمومی استفاده نمی‌شود» (وحیدیان کامیار، 1379: 69).

## 2- حروف اضافه در فارسی گفتاری (عامیانه):

ابتدا باید گفت در فارسی گفتاری از بین حروف اضافه بسیط که هنوز در دوره معاصر وجود دارند و به کار می‌روند تنها «از، را، به، تا و در» استفاده می‌شوند و حرفی مانند: «بر، چون»، تنها در زبان معاصر رسمی و نه در عامیانه به کار می‌روند» (یزدانی، 1391: 42).

## 2-1 ابتدا به کارکردهای حروف اضافه بسیط در فارسی گفتاری معاصر می‌پردازیم:

الف- حرف اضافه «به»:

### 1: به معنی به همراه (مصاحبت):

در زبان فارسی گفتاری، این کاربرد تنها «در جملاتی که مفید معنای دعا هستند و در مواردی مانند تبریک به کار می‌رود و در بیشتر موارد فعل جمله به قرینه معنوی محذوف است» (صادقی، 1349: 490)؛ مانند این موارد: به سلامتی برگشتی! به خیر و خوشی! (در ژرف ساخت چنین است: انشاءالله به (همراه با) خیر و خوشی باشد) همیشه به شادی! (در ژرف ساخت چنین است: انشاءالله همیشه با شادی قرین باشید) صد سال به این سالها! (در ژرف ساخت: امیدوارم که صد سال دیگر را هم ببینید).

### 2: قسم:

در این مورد «فعل جمله به قرینه معنوی محذوف است» (صادقی، 1349: 491). شواهد زیر را می‌توان به عنوان نمونه هایی ذکر کرد:

به جون تو! (در ژرف ساخت چنین است: به جون تو قسم می‌خورم) و نیز مثالهایی مانند: به قرآن، به جان مادرم، به مرگ تو! و ...

### 3: ظرفیت مکانی:



در این مورد، «در زبان گفتار با تغییر جای فعل، حرف اضافه حذف می‌شود مانند: رفت خورش. که در اصل به صورت: به خورش رفت، بوده و با جابه جاشدن فعل به اول جمله، حرف اضافه از گروه متممی حذف می‌شود» (یزدانی، 1391: 196). در این مورد از کارکرد «به»، و در تمام موارد زبان گفتار چنین ساختاری وجود دارد. اینک نمونه‌هایی دیگر: برگشت آلمان (در اصل: به آلمان برگشت). رفت مغازه (در اصل: به مغازه رفت). به سر اومد خونه و رفت (در اصل: یک سر به خانه آمد و رفت). به عبارت علمیتز در زبان گفتاری مفعول با واسطه جهت‌نما در بیشتر موارد بدون حرف اضافه است و در این صورت معمولاً پس از فعل قرار می‌گیرد: اومد تهرون این نکته در مورد مفعولهای باواسطه ناملموستر هم صادق است: رفتیم گردش.

در آثار پیشینیان هم در موارد متعددی حرف اضافه حذف شده که در شعر فردوسی و مولوی نمونه‌های فراوانی دارد:

هجیر دلاور میان را بیست [یکی] باره تیزتک برنشست

(فردوسی، 1379: ج 2: 186)

گر مرا خود قوت رفتن بدی [به] خانه خود رفتمی وین کی شدی

(مولوی، 1386: ج 3: 126)

4: در بیان جنس:

در این نوع کارکرد «به»، «به» مفید معنای «از جنس و از نوع و از نمونه» می‌باشد، مانند: ما رو به سگشم حساب نکرد (ما را از جنس سگش و به مانند آن هم ندانست) و نیز این مثالها: ما رو به کفشش هم حساب نکرد.

دستورنویسان «کلماتی را که پیش از واژگانی مانند حساب کردن، نامیدن، دانستن، فرض کردن و پنداشتن و از این قبیل می‌آید تمیز می‌نامند» (وحیدیان کامیار، 1379: 96). ظاهراً در زبان فارسی گفتاری معاصر، هرگاه این تمیز با ضمیر متصل شخصی همراه باشد با حرف اضافه «به» همراه است و مفید معنای جنس و گونه است. در صورتیکه تمیز با ضمیر شخصی متصل همراه نباشد دیگر حرف اضافه نمی‌گیرد مانند: ما رو بچه حساب کردی؟!

پس یکی از اختلافهای کاربرد حرف اضافه «به» در زبان گفتار و نوشتار در اینجا مشخص شد.

5: سوی و طرف:

مانند این مثالها: از ناراحتی نمی‌دونست چیکار کنه. تو فکر رفت. دست برد به سببیش و با سببیش بازی می‌کرد.

این راه می‌خوره به جاده اصلی؟

- زودتر از ما بلند شد رفت سمت صندوق، دست برد به جیبش که پول گذارو حساب کنه.



6: تعلیل:

مانند: به جرم خیانت، به گناه نکرده و ... .

7: برای و به خاطر:

مانند: به دیدنش رفتم. به عشقت می‌خوام بخونم. و ... .

8: ترتیب:

خونه به خونه، دونه به دونه، کوچه به کوچه و ... .

9: استعانت:

این مورد بیشتر در جملات دعایی می‌آید که «گوینده در آن به وقوع یا عدم وقوع فعل امیدوار است و از خدا یا شخص دیگر مدد می‌خواهد» (انوری و گیوی، 1383: 269): به یاری خدا بازو می‌بریم! (در ژرف ساخت چنین است: به یاری و کمک خدا بازی را می‌بریم).

10: برای نفرین:

برو به درک، برو به جهنم و ... .

«یکی از کاربردهای پربسامد حرف اضافه «به» همراهی این حرف با متممهایی مانند درک، جهنم، سقر و ... است که بیشتر در گفتگوهای خصمانه و در حالت دعوا و عصبانیت به کار می‌رود» (سیدوفایی، 1375: 74)؛ مثلاً آقای الف به آقای ب می‌گوید: از این به بعد دیگه باتو حرف نمی‌زنم و دوستت نیستم و آقای ب در جواب با عصبانیت می‌گوید: به درک و ... . نمونه هایی دیگر: به جهنم، به سقر، به اسفل السافلین، به ...رم، به ت...مم، و ... .

11: به معنای به اندازه و به مقدار:

این کتاب ده تومنم نمی‌ارزه (حرف به که مفید معنای به اندازه است حذف شده).

12: به معنای نسبت به:

داره همه رو به من بدبین می‌کنه.

13: متمم فعل و اسم و صفت:



منظور از «متمم فعل و اسم و صفت» در واقع «کارکرد حروف اضافه در نقش جزئی و قسمتی از ساختمان فعلی، اسمی یا صفتی است به طوری که نمی‌توان آن حرف اضافه را از ساختمان این افعال و صفات و اسمها حذف کرد» (مشکات الدینی، 1382: 156). مانند:

پاش خورد به میز (وابسته به فعل). و نیز در این مثالها: لباسش گیرکرد به میخ. افتاد به غلط کردن. گفتم بهت و...

علاقم بهش زیادتر شده (وابسته به اسم).

مایل به قرمز (وابسته صفت). لازم به معرفی نیست (وابسته صفت). و ... .

از میان دستورنویسان تنها دکتر فرشیدورد برای «به» متمم صوت هم قائل شده در مثال: آفرین به تو: متمم صوت (فرشیدورد: 1375: 63). دکتر مشکات الدینی تحت تأثیر دستور زبان انگلیسی حرف اضافه «به» با کارکرد متمم فعل را در جملاتی که مفعول صریح هم وجود دارد، دارای کارکرد مفعول بواسطه می‌داند و مثالی که برای مدعای خود زده این جمله است: علی کتاب را به خواهرش داد (مشکات الدینی، 1382: 200). به نظر ما حرف «به» در این جمله دارای کارکرد متمم فعل و وابسته به فعل است و اینکه تحت تأثیر و به تقلید از دستور زبان انگلیسی آن را مفعول بنامیم صحیح نیست و ایجاد اشکال می‌کند.

در پایان این قسمت باید اضافه کرد که در مواردی هم حرف اضافه «به» از جمله حذف می‌شود. البته همه حرفهای اضافه قابل حذف نیست «فقط «به و بر و در» و ندرتاً «از» را در پاره‌ای از عبارتها می‌توان حذف کرد» (یزدانی، 1391: 139). این حذف امروزه در زبان گفتار رایجتر است بویژه در اصطلاحات جاافتاده و پر استعمال مانند [به] سر رسیدن، [به] زندان کردن، [به] راه افتادن، [به] خواب رفتن، [بر] سر گذاشتن، [در] اوایل بهار، [از] یاد رفتن و ... .

سید وفایی حرف به را در ترکیباتی مانند چشم به راه، گوش به زنگ و ... دارای استعمال آزاد می‌داند و می‌گوید «چشم‌به-راه به معنی چشم کسی به طرف راه کسی دیگر بودن است و گوش به زنگ در معنای استعمال آزاد از نوع استعمال مجازی یعنی گوشم به طرف زنگ بود که کنایه از آمادگی کامل است» (1375: 76). اینکه وفایی از استعمال آزاد منظورش چیست خود بحثی جداست اما بی‌شک نمی‌توان حرف «به» را در این موارد از نوع اضافه دانست چرا که در چنین مواردی قیدساز است و قید مرگب می‌سازد. حروف اضافه علاوه بر اینکه کلمه یا گروهی را به فعل وابسته می‌کنند اسم یا صفت یا قید مرکب هم می‌سازند که در این صورت پیشوند به شمار می‌روند مانند: بی‌ادب، از خدا بی‌خبر، چشم به راه و ... (انوری و گیوی، 1383: 263). پس «به» در ترکیباتی مانند: عاقبت بخیر، گور به گور، سال به سال، روز به روز، میانوند است و ترکیب وصفی می‌سازد.

ب: حرف اضافه «با»:

1: مصاحبت و همراهی:





حرف اضافه «با» در معنای «مصاحبت و همراهی» در متون ادبی گذشته فارسی هم بارها به کار رفته است (انوری و گیوی، 1383: 196).

یا علی برو.

2: به کمک، به وسیله:

با دست بگیرش! با مشت بزنش! با زبون خوش حالیش کن! با چشمای خودم دیدم. با اتوبوس رفتم.

3: برای بیان حالتی فیزیکی یا اخلاقی است:

با اون دماغ بزرگ و بدترکیبش مدام بو می کشید.

سید وفایی این مورد را استعمال آزاد حرف «با» می داند. (1375: 77).

4: متمم اسم و فعل:

شاید مقدمه دوستی من با اون از اینجا شروع شد (متمم اسم).

فرق داشتن با، لجبازی کردن با، بازی کردن با، شوخی داشتن با، جنگیدن با، آشتی کردن با و ... (متمم فعل).

در کتاب دستور زبان فارسی 2 در رابطه با حرف اضافه متمم فعل چنین آمده: «ارتباط فعل با حرف اضافه خود اغلب امری زبانی است و ربطی به معنی ندارد به عبارت دیگر طبیعت زبانی فعل و حالت کاربردی آن است که حرف اضافه خاصی را به همراه می آورد» (انوری و گیوی، 1383: 264).

«با» وابسته به صفت در فارسی گفتاری وجود ندارد اما در فارسی معاصر نوشتاری دیده می شود: این اظهار تعجب مخلوط با ملاحظت همایون را بیشتر از زنش متنفر ساخت.

حرف اضافه «با» به عنوان پیشوند، صفت هم می سازد: بانمک. بادب، باحیا و ...

همچنین حرف اضافه «با» در زبان گفتاری، هیچگاه حذف نمی شود.

ج: حرف اضافه «از»:

1: بیان جنس:

از آهن ساختنش.

2: تبعیض:



منظور از «تبعيض»، «جزء قائل شدن است و اینکه از میان یک گروه یا جمع، یک تن یا چند تن را جدا می‌سازیم» (انوری و گیوی، 1383: 167).

یکی از ماها باید بره.

3: مجاوزت و عبور:

از قزوین رد شدیم. چاره از دستم رفت. از بغل گوشت رد شد.

4: ابتدای زمان و مکان:

از صبح که بلند شده داره غر می‌زنه.

ساعت 5 صبح از همدان راه افتادیم الان رسیدیم.

وفایی این کارکرد حرف اضافه «از» را «استعمال آزاد نامیده که در آن حرف اضافه بدون وابستگی به یکی از اجزاء جمله به طور مستقل و آزاد به کار می‌رود و فقط با مدخول خودش متمم مفهوم فعل قرار می‌گیرد به طوریکه حذف آن با متممش هیچگونه ابهامی در معنی جمله ایجاد نمی‌کند» (وفایی، 1375: 80). او برای اثبات حرفش این جمله را به عنوان مثال آورده: «از دیروز تا حالا هرچه فکر می‌کنم، چیزی ندارم که بنویسم». و در ادامه می‌گوید که «اگر در این جمله حرف اضافه و متممش حذف شود هیچ ابهامی در جمله ایجاد نمی‌شود» (همان). آنچه که سید وفایی گفته به نظر ما نادرست است چرا که در همین جمله که به عنوان نمونه آورده اگر حرف اضافه و متممش حذف شود اتفاقاً جمله کاملاً بی مفهوم می‌شود زیرا حتماً اتفاق خاصی برای متکلم افتاده که از دیروز تا حالا دیگر قادر به نوشتن نیست. در واقع از اصل جمله چنین برمی‌آید گوینده فقط در روز اخیر توانایی نوشتن را از دست داده چرا که اتفاقی روحی برای او افتاده که دیگر قادر به نوشتن نیست و اگر حرف اضافه را حذف کنیم جمله کاملاً مفهومی برعکس می‌یابد که گوینده هیچ گاه نویسنده نبوده و نویسندگی او نفی می‌شود و این مراد گوینده نیست. اما گاهی هم می‌توان به استعمال آزاد حرف اضافه قائل شد مثلاً در جمله: من از زمین تا آسمان با آنها فرق دارم. یا مثلاً وفایی حرف اضافه از را در معنی وسیله و واسطه دارای کارکرد استعمال آزاد می‌داند و زائد می‌شمارد که باز نادرست است مثلاً در این جمله که به عنوان مثال آورده: «مرد را از لقمه‌ای خرسند دار» (همان: 81). نمی‌توان گفت از لقمه ای اضافه است و حذفش به مفهوم جمله خلل نمی‌رساند چرا که بر بخشش مادی تکیه دارد.

5: مفید معنی تفضیل (برتری دادن):

بهتر از توام.

6: برای بیان علت و سبب و به معنی به سبب، در نتیجه و بر اثر:

از درس خوردن زیاد خسته شدم. از گرسنگی مردیم.

7: «گاهی از به عنوان نوعی حرف تعریف بخش‌نما به کار می‌رود» (لازار، 1384: 96):

مردم این روزا هشیار شدند و از این کلاها سرشون نمی‌ره.

گوشم از این حرفا پُره.

8: علامت متمم فعل بدون دربرداشتن مفهوم خاصی به عبارت دیگر متمم برخی افعال در فارسی گفتاری فقط با حرف اضافه *از* می‌آید: من از کسی خورده برده ای ندارم.

حرف اضافه «از» گاهی در جمله بدون اینکه از خود استقلالی داشته باشد وجودش در گرو مفهوم فعل است به عبارت دیگر این مفهوم فعل است که برای ادای توضیح، وجود حرف اضافه را ایجاب می‌کند مثلاً در این جمله: روزها که از مدرسه برمی‌گشتم فوراً به کارم مشغول می‌شدم، حرف اضافه «از» وابسته به فعل برگشتن است و حذف آن در معنای فعل خلل ایجاد می‌کند. دکتر افراشی هم به این نکته اشاره دارد: «گاهی کل گروه حرف اضافه برای اسم قبل از خود متمم محسوب می‌شوند یعنی توضیحی درباره آن اسم می‌دهند در این موارد حرف اضافه حذف نمی‌شود» (افراشی، 1388: 124).

برخی افعال چند حرف اضافه وابسته دارند که بنابر موقعیت و محور همنشینی یکی از آنها در جمله استفاده می‌شود مثلاً برگشتن گاهی با *از* همراه است و گاهی با *به*: از مدرسه برگشتم. به خانه برگشتم (به برای مقصد است و *از* برای مبدا).

حرف اضافه «از» گاهی وابسته معنی اسمی است که قبل از آن می‌آید مانند: «بعد از فارغ التحصیلی، اونم داخل جمع بیکارا شد». گاهی هم متمم قید است مانند: زودتر از همه اومد.

هرگاه «از» متمم و وابسته صفت باشد در فارسی گفتاری غالباً حذف می‌شود مثلاً: «به باغ دارن پُر درخت گیلاس» (در اصل اینگونه بوده: پر از درخت گیلاس). البته در عبارت دعایی «دور از جون» حرف «از» همچنان باقی است: «دور از جوننت! کم مونده بود بمیری».

گاهی «از» با اسمی ترکیب می‌شود و ترکیب اضافی می‌سازد مانند این جمله: از دستش دلم خونه. از دست ترکیب اضافی است که از ترکیب حرف اضافه بسیط با یکی از اسمها مانند پیش، پس، روی، جلو ... ایجاد می‌شود. از دست کاراش خسته شدم. دست در این ترکیب معنای اصلی خود را ندارد لذا به آن حرف اضافه می‌گوییم. و نیز در این نمونه‌ها: این مسابقه خیلی سخته! از پیشش بر نمیام. از رو دیوار پرید پایین.

لازم به ذکر است که «نباید ترکیبات ربطی‌ای را که با «از» ساخته می‌شود حرف اضافه مرکب دانست بلکه حرف ربط مرکب هستند» (معین، 1341: 109).

به عبارت دیگر حرف اضافه «از» گاهی با کمک کلمات دیگر ترکیباتی به وجود می‌آورد که وظیفشان ربط کلمات و جملات به هم است مانند: بعد از اینکه چند دقیقه‌ای غر زد خوابش برد. بعد از اینکه یک ترکیب ربطی است همچنین



ترکیبات: پیش از اینکه، از آنجائیکه، از بس که و ... از این نوع هستند. همچنین گاهی حرف اضافه «از» با کلماتی ترکیب می‌شود و افعال پیشوندی و عبارات فعلی می‌سازد مثل از رو بردن، از حال رفتن، از دل و دماغ افتادن، که این موارد را هم نباید جزء حرف اضافه مرکب محسوب کرد.

ج

د : حرف اضافه «تا»:

1: حرف «تا» تنها در معنای نهایت زمان و مکان، حرف اضافه است:

تا بازار رفتم و برگشتم.

«تا» در ترکیباتی مانند: تا اینکه، تا آنجاکه حرف اضافه مرکب نیست بلکه ترکیب ربطی ساخته است.

ه : حرف اضافه «را»:

حرف اضافه پسین «را» که در گذشته و در زبان رسمی امروزه به اسمهایی می‌پیوندد که نقش مفعول بیواسطه دارند اما در زبان گفتار به اسم یا گروه اسمی در مقام مفعول با واسطه می‌پیوندد. به هرحال «پس از واکه تبدیل به اُ و پس از همخوان تبدیل به رو می‌شود» (یزدانی، 1391: 139): «می‌خوام یه قسمت از کتاب لیلی و مجنونو بخونم».

2 : حرف اضافه مرکب: در هر زبان بر حسب نیازهای تازه‌ای که به وجود می‌آید حروف اضافه تازه‌ای ساخته می‌شود یکی از ساختهای پربسامد حروف اضافه، ساخت حرف اضافه مرکب است که از ترکیب حروف اضافه ساده به اضافه کلمات دیگر ساخته می‌شود.

این نوع حرف اضافه دو نوع ساخت متداول دارد:

آ : حرف اضافه بسیط+ اسم+ کسره اضافه مانند به سوی، به موجب، به وسیله، به مدت، به دنبال، در حدود و در زیر، در پیش، بر روی، به غیر. پس از ساخت این ترکیبات، به حکم قاعده زبان شناسی کوتاهی کلمات و اینکه کلمات مرکب پس از استعمال بسیار، به کوتاهی گرایش می‌کند روبه کوتاهی گذاشته‌اند. برخی اجزای حرف اضافه مرکب خاصه حرف اضافه بسیط حذف شده‌اند مثلاً «به سوی» تبدیل به «سوی» شده است. این گونه حذف در گذشته هم در متون ادبی رایج بوده است:

بار دیگر گرد گورستان بگشت همچو آن شیر شکاری گرد دشت

(مولوی، 1386: ج 2: 96)

البته از مجموع حروف اضافه فوق، در زبان فارسی گفتاری «تنها» به غیر، بر روی، به دنبال، در حدود، در زیر، در پیش، در پهلوی، در کنار» به کار می‌روند» (صادقی، 1349: 486)؛ آن هم چنانکه بیان شد با حذف حرف اضافه بسیط:



دنبالش می‌گردم ولی پیداش نمی‌کنم. کتاب زیر میزه.

حدود ساعت دو میام دنبالت. پیش من بمون.

در مثال «کتاب رو میزه»، در ساختار این حرف اضافه، علاوه بر حرف اضافه بسیط «بر» کسرة اضافه هم در زبان گفتار محذوف شده است.

دکتر مشکات الدینی حرفی مانند: «برای، روی، زیر، کنار، دنبالی» را جزء حروف اضافه بسیط آورده که جای تعجب دارد بویژه اینکه ایشان کتاب خود را بر مبنای دستور ساختگرا که مبنی بر ژرف ساختها و گشتارها است نوشته‌اند اما به ژرف ساخت این نوع حروف دقت نکرده‌اند (ن.ک: مشکات الدینی، 1382: 205). دکتر علی اشرف صادقی هم حروف مذکور را جزء حروف اضافه مرکب ذکر کرده‌اند (ن.ک: صادقی، 1349: 489).

ب: حرف اضافه بسیط + کسرة اضافه:

1: حرف اضافه «تو»:

حرف اضافه «در» در زبان فارسی گفتاری به «تو» بدل شده و دقیقاً مواردی را که «در» از نظر معنایی به خود مختص کرده شامل می‌شود. ژیلبر لازار در این باره می‌گوید: «در زبان گفتاری حرف اضافه «در و بر» برای نمودن ارزش مکانی چندان به کار نمی‌روند و اگر اقتضا کند که جایگاهی درون یا برجیزی معین شود حروف اضافه مرکب توی و روی البته با حذف حرف اضافه بسیط اصلی به کار می‌روند ضمناً در این موارد نشانه اضافه حذف می‌شود (لازار، 1384: 229).

الف: برای ظرفیت زمان و مکانی:

نامه رو تو پاکت بذار. تو خونه بمون تا من برگردم.

ب: ظرفیت غیرحسی به معنی از نظر و از دیدگاه:

تو اسلام رباخواری منع شده.

پ: متمم اسم:

کار تو مدرسه خیلی شیرینه.

همانطور که از مثالهای فوق، مشخص است کسرة اضافه در حرف اضافه «تو» در فارسی گفتاری محذوف است لذا در ظاهر و روساخت بسیط به نظر می‌آید حال آنکه در ژرف ساخت مرکب است.

در برخی موارد هم «تو» از جمله محذوف است مانند: یک ساله اینجا کار می‌کنم. روزای تابستون با هم بودیم.



2: حرف اضافه «واسه»:

«واسه در زبان گفتاری جایگزینی برای حرف اضافه «برای» است» (سیدوفایی، 1375: 74). به عبارت بهتر، «برای» در فارسی گفتاری به کار نمی‌رود و جای آن «واسه» استفاده می‌شود. اما در زبان گفتار کسره اضافه از آن حذف می‌شود.

این هدیه رو واسه تو آوردم.

3: حرف اضافه مثل:

مثل معادل حرف اضافه «چون» در زبان گفتاری می‌باشد:

من مثل (مث) تو فکر نمی‌کنم. مثل (مث) سگ و گربه به جون هم افتادین.

نتیجه:

هدف از نگارش این مقاله، بررسی انواع حروف اضافه و مفاهیم و کارکردهای آنها در زبان فارسی گفتاری معاصر بود و در طی مقاله به تفاوت کارکردهای حروف اضافه در فارسی گفتاری و نوشتاری اشاره شد. در این مقاله نشان داده شد که برخی حروف اضافه مانند: «واسه، پهلوی، دم» تنها در زبان گفتاری به کار می‌روند و اگر در نوشتار به کار روند بیشتر در داستانهای عامیانه آن هم به تقلید از سبک زبان گفتاری است. برخی از حروفی که در زبان نوشتاری معاصر به کار می‌روند در زبان گفتاری یا استفاده نمی‌شوند مانند: «میان، مانند» یا معادل و جانشینی دیگر دارند مانند: «همچون، چون» که در فارسی گفتاری به «مثل (مث)» بدل شده یا «در» که به «توی» بدل شده و دیگر حروفی که بتفصیل در این مقاله بررسی شده‌اند.

فهرست منابع:

افراشی، آریتا. (1388). ساخت زبان فارسی، تهران: سمت.

انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن. (1383). دستور زبان فارسی 2، تهران: انتشارات فاطمی، چاپ یازدهم.

سید وفایی، سعید. (1375). حروف اضافه در زبان فارسی معاصر، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره 66: صص 50-86.

صادقی، علی اشرف. (1349). حروف اضافه در فارسی معاصر، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره 36، صص 486-498.

فردوسی، ابوالقاسم. (1379). شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، نیویورک.

فرشیدورد، خسرو. (1375). گفتارهایی درباره دستور زبان فارسی، تهران: امیرکبیر.



قريب، عبدالعظيم و ديگران، (1385)، دستور زبان فارسی پنج استاد، تهران: انتشارات ناهيد، چاپ سوم.

لازار، ژيلبر. (1384). دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه مهستی بحرينی، تهران: هرمس.

مشکات الدينی، مهدی. (1382). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ سوم.

معین، محمد. (1341). اضافه، تهران: موسسه انتشارات اميرکبير، چاپ دوم.

مولوی بلخی، جلال الدين محمد. (1386). مثنوی معنوی، تصحيح رينولد نيکلسون، جلد دوم و سوم، تهران: اميرکبير.

وحیديان کاميار، تقی. (1379). دستور زبان فارسی 1، تهران: سمت.

يزدانی، امير. (1391). حروف ربط و اضافه در زبان فارسی از منظر دستور رده شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه اصفهان.